

## انتخاب عمومی

### public choice

یکی از محورهای اساسی اقتصاد بخش عمومی، ساختار و کارکرد نظریه انتخاب عمومی است. براساس این نظریه مقامات حکومتی نیز همانند بنگاه‌ها (و خانوارها)، دنبال حداکثر کردن منافع و مطلوبیت شخصی خود هستند. بنا بر این نظریه و برخلاف تصور سنتی، دولت موجودی خیرخواه نبوده بلکه خودخواه است. در دیدگاه‌های سنتی، فرض می‌شود که مقامات حکومتی برای خدمت به عموم، خود را در معرض ریسک انتخاب شدن قرار می‌دهند. در تئوری نئوکلاسیک، دولت تنها در شرایط شکست بازار خیرخواه است. اما در نظریه انتخاب عمومی دولت نه در شکست بازار و نه در غیرشکست بازار، خیرخواه نیست بلکه خودخواه است. نقش جیمز بوکانان (۲۰۱۳-۱۹۱۹) در احیاء و تکامل نظریه انتخاب عمومی بسیار برجسته است. نظریه انتخاب عمومی از یک سو چارچوبی بین رشته‌ای دارد و از سوی دیگر وارد امور غیر اقتصادی از جمله در سیاست می‌شود. اما محور تحلیل نظریه انتخاب عمومی، همان متدلورژی اقتصاد و بخصوص اقتصاد خرد می‌باشد. در عین حال رویکرد حاکم نظریه انتخاب عمومی بر محور عقلانیت ابزاری استوار است (بوکانان ۲۰۰۱، تالیسون ۱۹۸۶، مولر ۱۹۸۹، ماسگریو و پیکاک ۱۹۷۶). مطالعه رساله ویکسل در سال ۱۹۴۸ توسط بوکانان، آغاز خوبی برای شکل‌گیری نظریه انتخاب

عمومی است. مقاله دان کن بلک (۱۹۴۸) با عنوان مبانی منطقی تصمیم دسته جمعی، اثر برجسته ارو (۱۹۵۱) در رابطه با ارزش‌های فردی و انتخاب اجتماعی، کار آنتونی داووز (۱۹۵۷) در شکل‌دهی نظریه اقتصادی دموکراسی، کتاب محاسبه رضایت از بوکانان و تالوک (۱۹۶۲) و کار معروف اولسن (۱۹۶۵) در تدوین منطق انتخاب دسته جمعی به عنوان چند اثر کارساز در شکل‌گیری نظریه انتخاب دسته جمعی و انتخاب عمومی معروف هستند. با وجودی که صاحب‌نظران یاد شده و آثار آنها نقش تأثیرگذاری در تثبیت و تکامل نظریه انتخاب عمومی برعهده داشته‌اند، اما اینها را می‌توان نسل دومی‌های این نظریه قلمداد نمود. زیرا اقتصاددانانی مانند ویکسل و متفکران غیراقتصاددانی مانند کندرسه سالها قبل از بوکانان به انتخاب عمومی اشاره کرده‌اند. از این‌رو می‌توان آنها را نسل اولی‌های شکل‌گیری نظریه انتخاب عمومی نامید. در ضمن غیر از ریاضی دانان و اقتصاددانان، صاحب نظرانی از سیاست و جامعه‌شناسی نیز در مورد نظریه انتخاب عمومی یافته‌هایی داشته‌اند. بطور خاص از ویلیام ریکر (۱۹۹۳-۱۹۲۰) از صاحب نظران علوم سیاسی و جیمز کلمن (۱۹۹۵-۱۹۲۶) از دانشمندان علوم اجتماعی، به عنوان تکامل دهندگان غیراقتصادی نظریه انتخاب عمومی یاد می‌شود (اسمیت ۲۰۰۹ و مولر ۱۳۹۵).

التزام به نظریه انتخاب عمومی می‌تواند نوعی انضباط در بخش عمومی بوجود آورد. به همین

دلیل یک بخش از انتخاب عمومی تحت عنوان اقتصاد سیاسی قانون اساسی وظیفه دارد که با اصلاح نهادهای بالادستی نوعی کنترل بر رفتار حاکمان را تمرین نماید (دادگر ۱۳۹۳). همچنین تجربه نشان می‌دهد که رفتار تعداد قابل توجهی از حکومت‌ها با تئوری انتخاب عمومی سازگار بوده است. زیرا آنها بیشترین تلاش را برای کسب حداکثر منافع شخصی و گروهی خود می‌نمایند. بنابراین توجه عملی به این نظریه باعث شده که تقدس حاکمیت تبدیل به پاسخ‌گویی آن گردد. یکی از دست‌آوردهای دیگر این نظریه آن بوده که عنوان‌هایی مانند دولت بهینه، دولت خوب، حکمرانی خوب، دولت شایسته، شایسته‌سالاری و مانند آن به ادبیات بخش عمومی افزوده شود (کپلن ۲۰۰۷، بزلی ۲۰۰۷ و استرینگهام ۲۰۱۸). یک مطلب قابل تأکید دیگر در اندیشه انتخاب عمومی‌ها طرح پدیده شکست دولت در مقابل شکست بازار است. به عبارت دیگر انتخاب عمومی‌ها در کنار شکست بازار به شکست دولت هم پای می‌فشارند. زیرا به نظر آنها در مواردی که ورود دولت هزینه‌هایی بیش از منافع آن دارا باشد پدیده شکست دولت واقع می‌گردد.

قاعده رأی‌دهنده میانه: در کنار بحث انتخاب عمومی (نفع شخصی طلبی دولتی‌ها) یک سلسله عناوین و پدیده‌های دیگری نیز مطرح است که اشاره به آنها موجب درک جامع‌تری از انتخاب

عمومی خواهد بود. نقش رأی‌دهنده میانه، قاعده رأی اکثریت، قاعده اتفاق‌آرا، تصمیم‌گیری دسته جمعی و عقلانیت دسته جمعی از این نمونه هستند. براساس قضیه رأی‌دهنده میانه، انتخاب عمومی‌ها عقیده دارند که راندمان اصلی رفتار اکثریت، نزدیک دیدگاه رأی‌دهنده میانه است. یعنی می‌توان از طریق جلب توجه رأی‌دهنده میانه، رأی اکثریت را بخود جلب کرد و در نتیجه مقامات سیاسی تلاش می‌کنند رضایت رأی‌دهنده میانه را جلب کنند هر چند آن موضوع با منابع عمومی سازگار نباشد. (دادگر ۱۳۹۷، هولومبر ۲۰۰۶). تلاش سیاست‌مداران کاندید شده آن است که در تبلیغات انتخاباتی خود شعارهایی را مطرح کنند که نظر رأی‌دهنده میانه را جذب نماید. قابل ذکر است که یک راه ورود بحث نظریه انتخاب عمومی به مسائل سیاسی همین بحث رأی اکثریت و توجه به نظر رأی‌دهنده میانه است. در راستای کارکرد قاعده رأی‌دهنده میانه اقتصاددان معروف هاتلینگ (۱۹۲۹) در اثر معروف خود یعنی پایداری رقابت، نشان می‌دهد که فروشگاه‌های بزرگ اقتصادی نیز برای کسب منافع بیشتر تلاش می‌کنند نظر مشتری میانه را مورد توجه قرار دهند. یک یافته کار هاتلینگ آن است که نزدیک بودن بنگاه‌های اقتصادی و همکاری آنها با یکدیگر کارسازتر از جدایی بنگاه‌های بزرگ از هم می‌باشد. از سوی دیگر طبق یافته‌های نظریه انتخاب عمومی‌ها احزاب سیاسی نیز همانند فروشگاه‌های بزرگ

شود تا در آن ۶ درصد بیکاری و ۲ درصد تورم نهایی شود. این نقطه مطلوب رأی‌دهنده میانه است. بنابراین سیاست‌گذاران فعلی (کاندیداهای انتخابات بعدی) دنبال حداکثر کردن رأی (حداکثر کردن منافع شخصی خود) بوده‌اند و نه حداکثر کردن رفاه برای شهروندان.

نتایج تحلیل یاد شده، یافته‌های بلک و داوونز را تأیید می‌کند. مطالعه بلک نشان داد که نظر رأی‌دهنده میانه است که نتیجه تصمیم‌گیری را معین می‌کند. این تصمیم‌گیری هم شامل امور اقتصادی و هم شامل امور غیر اقتصادی و بطور خاص امور سیاسی است. کار داوونز هم تحت عنوان نظریه اقتصادی و عمل سیاسی در دموکراسی، در واقع همانند هاتلینگ و بلک همان اهمیت محوری رفتار رأی‌دهنده میانه را مورد تأثیر قرار داد. در هر حال نتیجه مطالعات یاد شده بیان نوعی مقایسه رفتار کارآمد در دنیای رأی‌گیری سیاسی سازگار با کارآمدی اقتصادی است. در عین حال محدودیت‌های انگیزشی و مشابه آن برای رفتارهای کارآمد در دنیای سیاست مطرح است و برخی مطالعات در مورد کارآمدی رفتارهای سیاسی در چارچوب رأی اکثریت و توجه به نظر رأی‌دهنده میانه تردیدهایی را مورد تأکید قرار می‌دهند (بوکانان و تالیسون ۱۹۸۶).

قاعده رأی اکثریت: عنوان مرتبط با قاعده رأی‌دهنده میانه، قاعده رأی اکثریت است. قاعده رأی

اقتصادی تلاش می‌کند از شعارهای تبلیغاتی میانه (نه افراط و نه تفریط) استفاده کنند تا بتوانند نظر رأی‌دهنده میانه را جذب نمایند. در نتیجه در کارکرد احزاب سیاسی همانند بنگاههای اقتصادی، منافع شخصی نقشی محوری و تعیین‌کننده دارند. این جا است که قضیه رأی‌دهنده میانه محور تصمیم‌گیری حزب‌های سیاسی هم قرار گرفته و آن گونه رأی‌گیری که بر مبنای قضیه رأی‌دهنده میانه باشد می‌تواند به پیروزی حزب مورد نظر منجر گردد (تیرمن ۲۰۰۶، مک مهان ۲۰۰۱ و باتلر ۲۰۱۳).

طرفداران نظریه انتخاب عمومی عقیده دارند که به دلیل نقش زیاد رأی‌دهنده میانه در پیروز کردن کاندیداهای انتخابات دوم، این کاندیداها تلاش می‌کنند که رفاه مورد نظر رأی‌دهنده میانه را تأمین نمایند و نه رفاه بهینه اقتصادی را. به عبارت دیگر اگر رأی‌دهنده میانه در حال حاضر (قبل از انتخابات دوم) نظر خاصی در مورد میزان بیکاری دارد ولی از نظر اقتصاد رفاه و کارآیی میزان دیگری از بیکاری ترجیح داده می‌شود، سیاست‌گذاری که دنبال رأی‌دهنده میانه است، تلاش می‌کند تابع رفاهی را نهایی کند که هدف رأی‌دهنده میانه را تأمین می‌کند (و نه سطح بهینه اقتصادی را). فرض کنید از نظر منطق اقتصادی نقطه بهینه جایی است که با ۴ درصد بیکاری و ۵ درصد تورم همراه است. اما آنچه اتفاق افتاده تصمیم مقامات فعلی (کاندید شده برای انتخابات بعدی) آن بوده که نقطه ای‌گزینش

اکثریت هم در دنیای سیاست جاذبه‌های خاص خود را دارد. نظریه انتخاب عمومی باعث شده این قاعده در جهان اقتصاد هم طرفدارانی پیدا کند. برخی از متفکران عقیده دارند که نظریه یا قاعده رأی اکثریت بهترین نظریه است تا زمانی که نظریه بهتری حاصل گردد. در عین حال خود قاعده رأی اکثریت ممکن است مشکلات خاص خود را دارا باشد. انتخاب عمومی‌ها عقیده دارند که رأی اکثریت موجب نوعی تبعیض می‌شود. زیرا ضمن اجرای قاعده رأی اکثریت از یک سو حقوق اقلیت از بین می‌رود. در نتیجه این یک زیان و انحراف از عدالت است که پیامد مطلوبی نیست. از سوی دیگر در موارد زیادی نتیجه رأی اکثریت حاکمیت و سیطره گروهی کوچک از رهبران احزاب و مانند آن بر کل اکثریت می‌گردد. از این‌رو از نظر منتقدان روش رأی اکثریت (مانند انتخاب عمومی‌ها) موضوع ظلم اکثریت بر اقلیت نیز بیان و تاکید می‌شود. بحث دیگر در انتخاب عمومی موضوع اتفاق آرا می‌باشد. همانطور که در ادامه اشاره خواهد شد پیوند بسیار معنی‌داری بین قاعده اکثریت و قاعده اتفاق آرا وجود دارد.

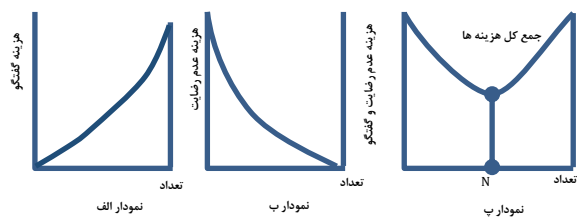
قاعده اتفاق آرا: در قالب انتخاب عمومی، پیوند بسیار معنی‌داری بین قاعده رأی‌دهنده میانه و رأی اکثریت از یک طرف و قاعده اتفاق آرا از سوی دیگر وجود دارد. به عبارت دیگر دشواری‌های رأی اکثریت بویژه موضوع تناقض رأی اکثریت بستر

مناسبی برای طرح قضیه اتفاق آرای بوکانان و تالوک (۱۹۶۲) را فراهم کرده است. البته همانطور که اشاره شد، طرفداران قاعده رأی اکثریت نیز به دشواری‌های آن قاعده باور دارند اما تاکید دارند که این بهترین نظریه است تا زمانی که بستر شکل‌گیری نظریه بهتری فراهم آید. از این رو اگر نظریه اتفاق آرا بتواند جایگزین مناسبی برای نظریه اکثریت آرا به حساب آید، باید از آن استقبال کرد. در صورتی که قاعده اتفاق آرا بتواند عملیاتی شود، چون در آن همه افراد در مورد همه گزینه‌ها رأی و نظر خود را ابراز می‌دارند و تصمیم نهایی بر آن مبنا است، کارآمدی بالایی دارد. یک دشواری قاعده اکثریت از نظر اتفاق آرای‌ها آن است که حق اقلیت در نظر گرفته نمی‌شود. بنابراین در آن بحث غیرعادلانه بودن رفتار اکثریت با اقلیت مطرح می‌گردد. گذشته از آن مسأله تناقض آرا به عنوان یک ضعف ساختاری نظریه رأی اکثریت مطرح می‌باشد. در صورت تحقق قاعده اتفاق آرا از یک سو هیچ ناراضی وجود نخواهد داشت. در نتیجه رضایت همه‌گانی فراهم است. از سوی دیگر فراهم شدن رضایت همگانی در عین حال بیانگر نوعی کارآمدی و نوعی بهبود پرتویی در دستگاه مورد نظر نیز خواهد بود. تنها موضوعی که هست این است که عملیاتی شدن قاعده اتفاق آرا بدون هزینه و ساده نیست. اما در هر صورت می‌تواند بطور بالقوه یک تکنیک و یک معیار تصمیم‌گیری به

محورهای عمودی نمودارها هزینه‌ها را نشان می‌دهند و محورهای افقی در هر سه نمودار تعداد جمعیت مشارکت‌کننده در گفتگو را نشان می‌دهد. همانطور نمودار الف نشان می‌دهد بین هزینه گفتگو و قانع کردن تعداد جمعیت مشارکت‌کننده رابطه مثبتی وجود دارد. یعنی هر چه تعداد افراد مشارکت‌کننده بیشتر باشد، هزینه گفتگو و قانع کردن یکدیگر بالاتر می‌رود. بدیهی است که قانع شدن مثلاً ۵ نفر نسبت به قانع شدن صد نفر بسیار کم هزینه‌تر می‌باشد. مسیر بالارونده منحنی نمودار الف همین موضوع را منعکس می‌کند. برعکس نمودار ب رابطه هزینه عدم رضایت و تعداد مشارکت‌کننده را نشان می‌دهد. همانطور که ملاحظه می‌شود این رابطه منفی است. به این معنا که هر چه تعداد افراد مشارکت‌کننده بیشتر می‌شود، هزینه عدم رضایت کاسته می‌شود. چون در این روند افرادی که وارد گفتگو می‌شوند و قانع می‌شوند بیشتر می‌شود و لذا تعداد ناراضی‌ها کمتر می‌شود. در نتیجه رابطه بین عدم رضایت و تعداد افراد مشارکت‌کننده به شکل منحنی پایین‌رونده نمودار ب منعکس گردیده است. بدیهی است برای این الگو یک نقطه بهینه وجود دارد که به شکل نقطه N در نمودار پ نشان داده شده است. این نقطه جایی است که جمع هر دو هزینه عدم رضایت و گفتگو به حداقل ممکن خود می‌رسد. در نتیجه این مدل تعداد افراد بهینه برای مشارکت در تصمیم‌گیری را نشان می‌دهد. در اینکه

حساب آید.

بوکانان و تالوک موضوع اتفاق آرا را در قالب یک مدل، شامل هزینه‌ها و منافع تصمیم‌گیری و مشارکت و گفتگو معرفی کردند. آنها یک سری هزینه‌ها و منافع را برای توافق آرا تعریف می‌کنند و سپس نقطه بهینه تصمیم‌گیری را بدست می‌آورند. رسیدن به توافق آرا از یک طرف نیازمند گفتگو و مذاکره همه ذی‌نفع‌ها می‌باشد. در این مذاکره گفتگو ممکن است برخی از مشارکت‌کنندگان قانع شوند و یا خیر. قانع شدن و زمان صرف شده در مذاکره از نمونه هزینه‌های این تصمیم‌گیری به حساب می‌آیند. از سوی دیگر هر چه افراد بیشتری در مذاکره شرکت کنند و در مورد تصمیم مورد نظر راضی شوند، هزینه عدم رضایت کاهش پیدا می‌کند (و یا منافع رضایت‌مندی بالا می‌رود). بنابراین طبق چارچوب بوکانان و تالوک زمانی که جمع دو هزینه عدم رضایت و گفتگو به حداقل ممکن برسد می‌توان رسیدن به نوعی نقطه تصمیم‌گیری بهینه را اعلام کرد. مکانیسم و الگوی پیشنهادی بوکانان و تالوک در مورد قاعده توافق آرا را می‌توان به شکل نمودار زیر هم توضیح داد.



نمودار (۱) روند بهینه در قاعده توافق آرا

این قاعده یک روش جدید در ترسیم و معرفی معیارهای تصمیم‌گیری است، تردیدی وجود ندارد. اما در عین حال موضوع امکان‌سنجی آن و بویژه هزینه‌های آن از اهمیت بالایی برخوردار هستند. جالب توجه است که بوکانان و تالوک یک دلیل خود را برای کنار گذاشتن سایر روش‌های تصمیم‌گیری و انتخاب قاعده اتفاق آرا، هزینه بالای راه‌های دیگر بیان می‌کنند (آلدریچ ۱۹۹۷). در صورتی که امکان عملیاتی شدن داشته باشد و هزینه گفتگو کم باشد، راه‌حل توافق آرا از سایر گزینه‌ها و معیارها کارآمدتر است. به عبارت دیگر می‌توان گفت این راه‌حل تنها راه‌حل پرتویی است. در عین حال موافقان و مخالفان قاعده اتفاق آرا همواره در مورد کارآمدی و ناکارآمدی این قاعده، هزینه‌ها و کارکردهای آن بحث می‌کنند (مک فرسن و سابل ۲۰۱۲).

تصمیم‌گیری دسته‌جمعی و دیگر ابعاد انتخاب عمومی: تقریباً به مهمترین عناوین مربوط به انتخاب عمومی اشاره گردید. نظریه انتخاب عمومی ارتباط نزدیکی با نظریه انتخاب اجتماعی نیز دارد. به این صورت که انتخاب دسته‌جمعی را می‌توان در دو دسته انتخاب اجتماعی و انتخاب عمومی قرار داد. انتخاب اجتماعی در واقع به تجمیع انتخاب‌ها و ترجیحات فردی جهت رسیدن به یک تصمیم کلی و جمعی می‌پردازد. طرفداران نظریه انتخاب اجتماعی عقیده دارند که می‌توان از تجمیع

ترجیحات فردی به ترجیحات اجتماعی رسید. اما منتقدان این نظریه بخصوص آمارتیا سن و کنت ارو عقیده دارند که از طریق تجمیع ترجیحات فردی نمی‌توان به ترجیحات سازگار جمعی رسید (سن ۲۰۰۵). در این ارتباط عقلانیت دسته‌جمعی نیز در مقابل عقلانیت فردی مطرح می‌شود. در چارچوب عقلانیت دسته‌جمعی فرض می‌شود که رفتار گروهی نیز می‌تواند نوعی توجیه عقلانی داشته باشد. به عبارت دیگر آن دسته از رفتارهای دسته‌جمعی که از نظر مفاد عقلانیت ارزشمند و قابل قبول هستند، نوعی عقلانیت دسته‌جمعی را تشکیل می‌دهند. زمانی که رفتار دسته‌جمعی توجیه عقلانی داشته باشد، می‌توان به کارآمدی آن رفتار عقیده پیدا کرد. بدیهی است فرض عقلانیت دسته‌جمعی می‌تواند پیوند معنی‌داری با تصمیم‌گیری دسته‌جمعی داشته باشد. چون در واقع عقلانیت دسته‌جمعی توسعه عقلانیت از فرد به گروه است و در این صورت امکان تصمیم‌گیری عقلانی برای جمع وجود خواهد داشت. همچنین کالای دسته‌جمعی نیز از این منظر که برای همه می‌تواند منافی داشته باشد و نمی‌توان کسی را از آن محروم ساخت به نحوی و دست کم به شکل بالقوه به انتخاب دسته‌جمعی و انتخاب عمومی مرتبط می‌باشد. زیرا بخشی از این نوع کالاها توسط دولت‌ها تهیه می‌شوند و ماهیت نفع شخصی طلبی دولت‌ها می‌تواند در چگونگی ارائه کالای دسته‌جمعی مؤثر

توسط طرفداران انتخاب عمومی و برای نشان دادن واقع‌گرایی این نظریه تأکید می‌شود. از میان اینها مقایسه خرید و فروش آرا با خرید و فروش کالا، مقایسه فعالیت احزاب سیاسی با فروشگاه‌های بزرگ اقتصادی، مقایسه رفاه اقتصادی با رفاه رأی دهنده میانه و مقایسه رفتار دولتی‌ها در بین دو انتخابات، قابل ذکر هستند. یکی از شواهدی که انتخاب عمومی‌ها برای درستی نظریه خود بیان می‌کنند مقایسه خرید و فروش کالا با خرید و فروش رأی می‌باشد. زیرا یک ادعای انتخاب عمومی‌ها همواره این بوده است که هدف و انگیزه مقامات حکومتی همانند بنگاه‌های اقتصادی دنبال کسب حداکثر منافع شخصی است. در دنیای واقعی نیز این رفتار در موارد قابل توجهی مشاهده شده است. زمانی که کاندیدهای نمایندگی مجلس به راحتی رأی خریداری می‌کند و یا یک مقام ارشد سیاسی از رانت دولتی استفاده می‌برد در واقع یک نوع معامله و در مواردی خرید و فروش صورت گرفته است. قول‌های کاندیداها به گروه‌های پرنفوذ برای حل مشکل آنها پس از پیروز شدن و موارد مشابه از دیگر نمونه‌های خرید و فروش رأی می‌باشد. در عین حال برخی از صاحب‌نظران انتخاب عمومی عقیده دارند که ممکن است خرید و فروش رأی در مواردی حتی نفع اجتماعی هم در برداشته باشد. فرض کنید نمایندگان یک استان از نمایندگان استان دیگری تقاضا می‌کنند که در صورتی که آنها

باشد (کراسبی و بریسون ۲۰۰۵ و مک مهن ۲۰۰۱). طرفداران انتخاب عمومی، دموکراسی رأی اکثریت را دموکراسی واقعی نمی‌دانند. در عین حال گویی تعریف انتخاب عمومی‌ها و بویژه بوکانان از دموکراسی متفاوت از رویکردهای عادی است. به عنوان مثال به نظر بوکانان دموکراسی به معنای آزادی مردم در انتخاب از راه گفتگو است و نه تحمیل رأی اکثریت. این در حالی است که در شرایط عادی زمانی که اکثریت مردم آزادانه و در یک انتخاب آزاد و رقابتی گزینه مورد نظر خود را انتخاب کنند، گفته می‌شود، دموکراسی برقرار است. یک موضوع اساسی دیگر در چارچوب انتخاب عمومی اقتصاد سیاسی قانون اساسی است که به قانون‌مند سازی رفتار مقامات می‌پردازد. تجزیه و تحلیل اقتصادی قوانین اساسی در واقع به بررسی شکل‌گیری، تحولات، کارکردها و اصلاح‌های مؤثر بر رفتار حاکمان و دولتی‌ها می‌پردازد. مناسب است که در این مرحله بین دو دسته نهادها و قواعد، تمایز قائل شد؛ نهادها و قواعد معمولی (و یا پایین دستی) و نهادها و قواعد پایه‌ای (و بالادستی). قواعد و نهادهای معمولی، چارچوب سیاست‌های عادی اقتصادی را ترسیم می‌کنند، اما قواعد و نهادهای بالادستی به تعیین، اصلاح و تغییر قوانین حاکم بر رفتار مدیران ارشد می‌پردازد (پرسن و تبلینی ۲۰۰۲).

چند نمونه‌اساسی در رفتارهای انتخاب عمومی

به طرح پیشنهادی ساخت دانشگاهی در استان الف رأی موافق بدهند، نمایندگان استان الف نیز در تصویب برنامه ساخت مترو در استان ب رأی موافق می‌دهند. اینجا ضمن آنکه یک معامله و خرید و فروش رأی صورت گرفته، منافی بالقوه برای دو استان مورد نظر نیز حاصل شده است.

مورد دیگر مقایسه حداکثر رفاه اقتصادی و حداکثر رفاه رأی‌دهنده میانه است که در آن مقامات دولتی به دلیل کسب رأی بیشتر نقطه مورد نظر رفاهی رأی‌دهنده میانه را بر رفاه بهینه استاندارد اقتصادی ترجیح می‌دهند. مورد سوم رفتار مقامات دولتی بین دو انتخابات است. به نظر انتخاب عمومی‌ها، رفتار مقامات دولتی بویژه در طراحی سیاست‌های اقتصادی بین دو انتخابات، جهت‌دار و نفع شخصی‌طلبانه است. فرض کنید گروهی در انتخابات اول برنده شده‌اند و تلاش می‌کنند که در انتخابات بعدی هم کاندید و برنده شوند. آنها برای برنده شدن در انتخابات مورد نظر سیاستی را برمی‌گزینند که زمینه جذب رأی‌بالایی را دارا باشد و نه سیاستی را که به صلاح جامعه باشد. فرض کنید که از نظر جامعه و اقتصاد استاندارد مشکل بیکاری اولویت اول است و بنابراین برنامه‌ریزی دولتی باید به سمت کاهش بیکاری به پیش رود. اما اگر تصور شود که افراد و گروه‌های مؤثر در جذب رأی، تمایل دارند که تورم کاهش یابد، مقامات سمت و سوی سیاست‌های اقتصادی را به گونه‌ای تغییر

می‌دهند که در نهایت و بویژه در آستانه انتخابات دوم تورم کاهش می‌یابد، (که مطلوب رأی‌دهندگان میانه است) ولی بیکاری افزایش می‌یابد (که خلاف مصلحت اقتصادی جامعه است). در نتیجه این برنامه سیاستی به عقیده طرفداران انتخاب عمومی نوعی دور اقتصادی ناخواسته بر جامعه تحمیل می‌کند. چون معمولاً در شرایط زیادی امکان کاهش همزمان بیکاری و تورم وجود ندارد و کاهش هر یک می‌تواند موجب افزایش دیگری گردد. این دور تحمیل شده به دلیل ماهیت رفتاری مقامات، به دور کسب و کار سیاسی (در مقابل دور کسب و کار اقتصادی) معروف است. طرفداران انتخاب عمومی همچنین عقیده دارند که احزاب سیاسی نیز برای رسیدن به منافع (کسب اکثریت آرا) همانند بنگاه‌های بزرگ اقتصادی مواضع مشابه و نزدیک به میانه جامعه را برمی‌گزینند (نورد هاوس ۱۹۷۵).

خلاصه نظریه انتخاب عمومی در واقع یکی از ره‌آورد‌های گسترش کاربرد متدلورژی اقتصاد به دیگر رشته‌ها و بویژه علوم سیاسی می‌باشد. در این رابطه مقامات دولتی و حکومتی نیز همانند دیگران موجوداتی نفع شخصی‌طلب هستند. با وجودی که بن‌مایه اصلی انتخاب عمومی به گسترش مفاد دست‌نامیری آدام اسمیت، نفع شخصی و فردگرایی روش‌شناختی مرتبط است، اما دست‌کم در ترسیم رفتار مقامات حکومتی هشدار جدید به حساب می‌آید. از این‌رو شاید کاربرد عبارت‌هایی چون



توجه به قواعد و اصلاح قواعد و نهادهای رفتاری بجای حداکثرسازی مطلوبیت از دیگر ویژگی‌ها و تأکیدهای نظریه انتخاب عمومی است. توجه بوکانان و تعداد دیگری از انتخاب عمومی‌ها بر قوانین به حدی است که عقیده دارند، قانون می‌تواند آزادی را هم محدود کند. به همین صورت آنها بر دولت قانونمند تأکید دارند. باید اضافه کرد که برخلاف تصور ظاهری انتخاب عمومی‌ها طرفدار بی‌دولتی و رویکرد آنارشیسم نیستند، اما دولت قاعده‌مند و قانون‌گرا را مورد تأکید قرار می‌دهند. آنها همین‌طور با دولت‌های تمامیت خواه هم مخالف هستند. با وجود موفقیت‌های زیاد نظریه انتخاب عمومی، این نظریه با دشواری‌هایی نیز روبرو می‌باشد. یکی عدم پاسخ‌گویی آن به برخی رفتارهای واقعی مقامات دولتی است. به عنوان مثال طبق مفاد این نظریه و بر مبنای رفتار عقلانی نباید مردم در فعالیت‌های سیاسی مشارکت کنند، اما در عمل چنین نیست. همچنین طبق شواهد تاریخی برخی از مقامات حکومتی منافع زیادی برای جامعه در برداشته‌اند و واقعاً خدمت‌گذار بوده و منافع شخصی بالایی هم بدست نیاورده‌اند. در حالیکه طبق مفاد انتخاب عمومی تمامی مقامات صرفاً نفع شخصی طلب هستند. سرانجام اجماع قابل قبولی از اقتصاددانان برجسته وجود ندارد که مفاد سراسری رویکرد حاکم از انتخاب عمومی را مورد تأکید و پذیرش قرار دهد. در هر صورت انتخاب عمومی دیدگاهی

اقتصاد سیاسی جدید، انقلاب علمی جدید و موارد مشابه در مورد انتخاب عمومی، معنادار باشد. طرفداران انتخاب عمومی بویژه بوکانان از یک سو به کینز و کینزی‌ها حمله می‌کنند. زیرا به نظر آنها رویکردهای کینزی موجب گسترش حضور دولت ناکارآمد هستند. از سوی دیگر به توصیه‌کنندگان به دولت هشدار می‌دهند که از بازی با دولت و خروج از وظیفه علمی و اقتصادی خود خارج نشوند. نکته دیگر آنکه انتخاب عمومی همانند رشته مادری‌اش اقتصاد، چند رویکردی است. برخی رویکردها مانند رویکرد شیکاگو بیشتر تجربی هستند. برخی از رویکردهای انتخاب عمومی، مانند همان که توسط خود بوکانان به پیش می‌رفت، جنبه توصیفی و تئوریک دارد. برخی رویکردها تقلیل‌گرایی را پیش گرفته‌اند و برخی رویکردها به عنصرهای نهادی بیشتر توجه دارند. مطلب دیگر در مورد انتخاب عمومی پردازش موضوعات مهم و تأثیرگذار در عرصه‌های مدیریت کلان می‌باشد. تحلیل اقتصادی قانون اساسی، طراحی شکست دولت در مقابل شکست بازار، اقتصادی شدن پروسه رأی‌گیری، بحث عقلانیت دسته‌جمعی در برابر عقلانیت فردی، توجه اقتصادی رفتار دیوان سالاران و موارد مشابه از دستاوردهای مهم و جدید انتخاب عمومی است (Stringham 2018).

استوارسازی نظریه انتخاب عمومی بر فردگرایی روش‌شناختی و منکر شدن واقعیتی غیر از فرد،

- Public finance, London, Macmillan  
 Nordhaus, W.D (1975), The Political Business Cycle, review of economic Studies, 42, 1969-90  
 Olson, M (1965), The Logic of Collective action, Harvard University Press  
 Sen, A (2005), Collective choice in Social Justice, The new Palgrave dictionary of economics.  
 Stringham, E (2018), anarchy, state and public choice, George mason University Press.  
 Tideman, N (2006), Collective decision And Voting, Ashgate Public Company  
 Tollison, R (1986), Political economy of rent Seking, Kluwer academic Publishers

یداله دادگر

هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

کارساز و مؤثر در اصلاح بخش دولتی بوده و در عین حال در بردارنده برخی دشواری‌ها هم می‌باشد. پذیرش تکثر گرایی در چارچوب انتخاب عمومی می‌تواند کارآمدی آن را افزایش دهد.

کتاب‌شناسی

- تمدن جهرمی، محمدحسین (۱۳۸۹)، گفتارهایی در زمینه اقتصاد، انتشارات جهاد دانشگاهی  
 دادگر، یداله (۱۳۹۳) ظرفیت نظریه اقتصاد سیاسی قانون اساسی در انضباط بخشی مدیریت بخش عمومی، دو فصلنامه اقتصاد تطبیقی، سال دوم، شماره ۲، پاییز و زمستان، ۱۳۲-۱۰۹  
 دادگر، یداله (۱۳۹۰)، انتخاب عمومی همزاد دیگر حقوق و اقتصاد، فصل دوازدهم کتاب تحلیل اقتصادی حقوق، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس  
 دادگر، یداله (۱۳۹۷)، اقتصاد بخش عمومی، انتشارات دانشگاه مفید، چاپ چهارم  
 مولر، دنیس (۱۳۹۵) انتخاب عمومی، ترجمه حجت ایزدخواستی، عباد تیموری، امیر هادی حسینی، بهروز صادقی، اباذر کریمی، هما موذن و حمید هوشمند، نشر نور علم.

- Aldrich, T.H (1997), When is rational to vote? In D.C. Mueller, Perspectives on Public Choice, Cambridge University Press  
 Arrow, K (1951). Social Choice and individual Values, New York, Willey  
 Black D (1948), on the rationale of group decision making, Journal of Political economy, 56, 23-34  
 Buchanan, J (1986) The Constitution & economic Policy, Nobel Lecture  
 Buchanan, J and Tollison, R (1986), Public choice, 48 (2), 197-199  
 Buchanan, J and Tullock, G (1962), the Calculus of Consent, University of Michigan Press  
 Butler, A (2013), Public, Choice Theory, Liberty media freedom Publishing.  
 Caplan, B (2007), The Myth of rational Voter, Princeton University Press  
 Downs, A (1957) an economic Theory of democracy, NY, Harper and Row  
 Hotelling, H (1929), Stability in Competition, The economic Journal, 39, 41-57  
 Macpherson, A and Sobel, R (2012), Private and Public Choice, Cenage Learning Publishing  
 McMahan, M (2001), Collective rationality and Collective reasoning, Cambridge University Press  
 Mueller, D (1989), Public Choice, Cambridge University Press  
 Musgrave, R and Peacock, P (1976), Classics in The Theory of